

درس دوم

در پناه ایمان

هدف کلی

شناخت حقیقت ایمان

اهداف جزئی :

- آشنایی با ایمان و تفاوت آن با شناخت و معرفت عقلانی
- آشنایی با علت عمل نکردن به برخی از دانسته‌ها
- آگاهی از راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا
- تأثیر ایمان به خدا در زندگی انسان

ضرورت درس

دانش‌آموزان در درس گذشته با صفات خداوند آشنا شدند و او را به عنوان خالق مهربان، توبه‌پذیر، شاکر و ... شناختند. اکنون قرار است به درک این نکته برسند که شناخت خدا اگرچه لازم و ضروری است اما برای حرکت به سوی خدا کافی نیست و در کنار شناخت، نیازمند حقیقت دیگری به نام ایمان هستیم. به عبارت دیگر، آثار عملی شناخت خدا زمانی آشکار می‌شود که این شناخت به مرحله ایمان برسد. بنابراین دانش‌آموزان در این درس می‌آموزند که چگونه می‌توانند در مسیر ایمان به خدا گام بگذارند تا اثر دانسته‌های خویش در مورد خدا را در جای جای زندگی خویش احساس کنند.

محورهای اصلی درس

- ۱- علت قصور و کوتاهی انسان در عمل به دانسته‌های خویش
- ۲- ایمان، اعتماد و اطمینان قلبی کامل به یک مطلب، یک شخص، یک دین یا... است.
- ۳- همراهی شناخت و ایمان منجر به عمل می‌شود.
- ۴- راه‌های تقویت ایمان به خدا: تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش، یاد و ذکر خداوند، انجام اعمال صالح و پرهیز از گناهان.
- ۵- آرامش و رهایی از احساس بیهودگی دو نتیجه ایمان به خدا در زندگی انسان

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

- ۱- چرا برخی افراد با وجود آنکه فایده بسیاری از کارها را می‌دانند آن را انجام نمی‌دهند؟
- ۲- چرا برخی با وجود شناخت نسبت به خدا، نسبت به دستورات و تعالیم وی بی‌توجه هستند؟
- ۳- ایمان چیست؟
- ۴- آیا ممکن است به خدا ایمان داشت اما به دستورات او عمل نکرد؟
- ۵- چگونه می‌توانیم بر ایمان خود به خداوند بیفزاییم؟
- ۶- ایمان به خدا چه تأثیری بر زندگی ما می‌گذارد؟
- ۷- نتایج دور شدن از ایمان به خدا چیست؟

روش تدریس

شیوه تدریس «ورودیه»: شروع تدریس با سؤالات مطرح شده در ورودیه می‌تواند روش خوبی برای آغاز این درس باشد. شما می‌توانید سؤالات دیگری نیز به این بخش اضافه کنید و دانش‌آموزان را به تفکر بیشتر وادارید. مثلاً بگویید چرا بعضی از نوجوانان با وجود آنکه از مضرات بازی‌های کامپیوتری باخبرند اما ساعت‌ها پای آن می‌نشینند؟ چرا برخی‌ها با آنکه می‌دانند حجاب و پوشش مناسب چه فوایدی دارد اما باز با ظاهر نامناسب در جامعه حضور می‌یابند؟ و چراهای دیگر.

شیوه تدریس «تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش»: در این قسمت می‌توان با ذکر مواردی از عجایب و شگفتی‌های خلقت، روح و جان مخاطب را در برابر عظمت خداوند خاضع کرد. برای نمونه می‌توان از متن شماره ۳، بخش دانستنی‌های معلم استفاده کرد.

شیوه تدریس «آثار ایمان»: در بخش آثار ایمان می‌توان قبله‌نمایی را به کلاس آورد و با

نشان دادن آن به دانش‌آموزان این گونه گفت که عقربه‌های قبله‌نما پیوسته لرزان‌اند، مگر زمانی که همسو با قبله باشند.

دل آدمی نیز همین طور است،
لرزان و مضطرب است مگر اینکه با خدا همسو شود و همواره در یاد خدا باشد.
پیامبر(ص) همواره دلی آرام داشت. چرا؟ چون پیوسته در یاد خدا بود:
«لایقوم و لایجلس الا علی ذکر الله» یعنی در تمام نشست‌ها و برخاست‌ها یاد خدا می‌کرد.
البته نه به این معنا که دائم تسبیح به دست بود. بلکه هر کجا می‌خواست کاری انجام دهد، آنچه را که مطابق رضای خدا بود انجام می‌داد.
و یاد خدا به این معناست.

تحلیل اجزای درس

ورودی: ورودیه این درس با طرح سؤالاتی به دنبال آماده کردن ذهن دانش‌آموزان برای درک این نکته است که صرف دانستن در خصوص یک مطلب، موجب عمل به آن نمی‌شود، بلکه علاوه بر شناخت، نیاز به وجود امر دیگری است تا به وسیله آن، انسان در جهت عمل به دانسته‌های خویش گام بردارد.
دانش‌آموز با نگاهی به زندگی خود و اطرافیانش موارد متعددی را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود آنکه به خوبی برخی کارها معترفند اما حاضر به انجام آن نیستند. مثلاً از فواید مسواک زدن با خبرند اما به آن تن نمی‌دهند، و یا از اثرات ورزش بر سلامتی آگاهند، اما وقتی برای آن اختصاص نمی‌دهند. همچنین موارد بسیاری را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود علم به مضرات یک عمل، حاضر به دست کشیدن از آن نیستند. به عنوان نمونه از مضرات سیگار با خبرند اما آن را ترک نمی‌کنند.
طرح این نمونه‌ها کمک می‌کند تا دانش‌آموز به این نتیجه برسد که تنها شناخت برای عمل کردن کافی نیست بلکه در کنار شناخت، نیاز به امر دیگری نیز هست تا بتواند انسان را به سمت عمل سوق دهد.
فعالیت کلاسی: دانش‌آموز پس از مطالعه ورودیه با همفکری دوستان خود باید بیان کند که حلقه مفقوده میان شناخت و عمل چیست؟ باور و اعتقاد قلبی (یا همان ایمان) به آنچه که می‌داند همان چیزی است که اگر در کنار شناخت قرار گیرد، موجب حرکت انسان به سمت عمل می‌شود. یعنی اگر انسان با جان و دل آنچه را که می‌داند نپذیرد، یقیناً به سمت عمل به علم خویش نخواهد رفت.
البته ممکن است دانش‌آموزان به سؤال این فعالیت جواب‌های متعددی دهند اما هر جوابی که به این معنا نزدیک باشد قابل پذیرش است.

دو دوست جدایی ناپذیر : در بخش قبل به دنبال اثبات این مطلب بودیم که برای عمل به دانسته‌های خویش باید به آن باور قلبی (ایمان) داشته باشیم. در این قسمت می‌خواهیم بحث باور قلبی را در حوزه اعتقادات دینی مطرح کنیم. (در بخش قبل ایمان به معنای عام آن، یعنی باور قلبی به هر موضوع و مطلبی طرح شد و در این قسمت به دنبال مطرح کردن بحث ایمان به معنای خاص آن، یعنی ایمان به خدا هستیم) یعنی دانش‌آموزان را متوجه این نکته کنیم که همانطور که صرف شناخت یک حقیقت منجر به عمل نمی‌شود، صرف شناخت خدا و آشنایی با صفات و ویژگی‌های او نیز لزوماً به تسلیم شدن در برابر خدا و تبعیت از او منجر نمی‌شود، بلکه باید در کنار این شناخت، باور قلبی یا همان ایمان به خدا را نیز در درون خود ایجاد کنیم.

در این بخش اشاره‌ای هم به همراهی ایمان و عمل شده است. یعنی هر جا که ایمان باشد عمل نیز به دنبال آن خواهد بود. در واقع عمل ثمره و نتیجه ایمان است.

ذکر این نکته از آن رو ضروری است که برخی گمان می‌کنند همین که به خدا و پیامبر او ایمان دارند کافی است و از همین رو تقید چندانی به انجام اعمال دینی ندارند. در حالی که کسی که اهل عمل به دستورات الهی نیست در واقع ایمان هم ندارد و ادعای ایمان او حرف گزافی است؛ زیرا محال است که فرد به حقیقتی ایمان داشته باشد اما عملی به دنبال آن نباشد. پس هرگاه دیدیم که عمل نیست بدانیم که ایمان هم نیست.

نکته مهم : پر رنگ کردن بحث ایمان در این قسمت به معنای کم توجهی به اهمیت بحث معرفت و شناخت نیست زیرا تا نسبت به حقیقتی شناخت پیدا نکنیم نمی‌توانیم نسبت به آن باور قلبی پیدا کنیم و در واقع شناخت مقدمه ایمان است.

شناخت ← ایمان ← عمل

بنابر این ادعای کسانی همچون مسیحیان که می‌گویند ایمان یعنی باور به چیزی که درک و شناختی از آن نداریم، ادعایی باطل و تنها در توجیه عقاید غیر عقلانی آنهاست زیرا در مسیحیت تحریف شده عقایدی همچون تثلیث و یا جسم انگاری خدا وجود دارد که با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و از همین رو آنان ناچارند برای موجه نشان دادن چهره مسیحیت و توجیه این عقاید، ایمان را به گونه‌ای تفسیر کنند که نیاز به عقل و معرفت در آن وجود نداشته باشد. اما در حقیقت ایمانی که همراه با معرفت و شناخت نباشد ایمان نیست بلکه صرفاً تقلید و پیروی کورکورانه است. اما ایمانی که در دین اسلام مطرح است، ایمانی است که شناخت و معرفت مقدمه ضروری آن است.

فعالیت کلاسی : این فعالیت به دنبال نقد برخی از رفتارهای غلط در میان جامعه است. جامعه‌ای که اکثر افراد آن خود را مؤمن به خدا می‌دانند، اما در عمل شاهد بروز رفتارهایی هستیم که در تعارض با این ایمان است. در حقیقت با توجه به مطالب بخش پیش که به پیوستگی و همراهی ایمان و عمل اشاره داشت، دانش‌آموزان برخی رفتارهای رایج در جامعه را که با ادعای ایمان افراد در تعارض است بیان می‌کنند. مثلاً کسی که به خدا ایمان دارد و او را ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌داند حق دیگران را پایمال نمی‌کند، ظاهر و پوشش خود را مطابق با معیارهای الهی قرار می‌دهد و... از همین رو، بروز رفتارهایی برخلاف معیارهای الهی نشان‌دهنده این است که یا هنوز ایمان در دل این‌گونه افراد وارد نشده است و یا ایمان این افراد ضعیف است.

بیشتر بدانیم : این بخش در پاسخ به سخنی است که متأسفانه در میان برخی از مردم رواج دارد و به محض اینکه کسی به اعمال و رفتار آنان اعتراض کند می‌گویند: این چیزها خیلی مهم نیست بلکه مهم این است که قلبت پاک باشد!

در این قسمت با توجه به آنچه که دانش‌آموز درباره همراهی ایمان و عمل خوانده است و با کمک یک مثال بیان شده است که ممکن نیست کسی در قلبش ایمان باشد اما به دنبال آن عمل و کردار صالح نباشد. یقیناً کسی که ظاهر و کردار و گفتار نامناسبی دارد، یا قلبش نیز از نور ایمان تهی است و یا از ایمان اندکی بهره‌مند است.

حقیقت ایمان : تبیین معنای ایمان از اهداف این قسمت است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید تعریفی که در این بخش، از ایمان ارائه شده تعریفی کلی است که هر گونه ایمانی را در بر می‌گیرد؛ چه ایمان مذهبی و چه ایمان به امور غیر مذهبی. هدف از این تعریف کلی هم این بوده است که مخاطب متوجه شود که ایمان منحصر در مسائل دینی نیست و به هر حالت اعتماد و اطمینان قلبی که انسان به یک موضوع دارد ایمان (یا همان باور قلبی) گفته می‌شود. مثلاً کسی که برای ورزش کردن وقت می‌گذارد معلوم است که به ورزش و تأثیرات آن در بدن ایمان دارد. حتی ممکن است فرد به زشتی‌ها و بدی‌ها و شیطان ایمان بیاورد. خداوند در قرآن کریم از کسانی یاد می‌کند که به طاغوت و شیطان ایمان می‌آورند. (سوره نساء/۵۱)

پس از تعریف کلی ایمان، به تبیین یکی از مصادیق ایمان که همان ایمان به خداست پرداخته شده است. از این قسمت به بعد هر آنچه که در مورد ایمان گفته می‌شود مربوط به ایمان به معنای دینی و مذهبی آن است.

پاسخ به یک سؤال : ممکن است این سؤال پیش آید که چرا از همان ابتدا به بحث ایمان دینی

پرداخته نشد؟ یکی از دلایل این مسئله زمینه سازی برای پاسخ به شبهه‌ای است که ممکن است در ذهن برخی از دانش‌آموزان شکل بگیرد و آن اینکه: اگر عمل همیشه همراه با ایمان است پس چگونه شاهد آن هستیم که در برخی از جوامع بی‌ایمان، کارهای خوب و پسندیده‌ای از سوی مردم انجام می‌شود، مثلاً قانون به خوبی در این کشورها رعایت می‌شود؛ نظم اهمیت بالایی دارد و... در حالی که گفته شده عمل ثمره ایمان است اما در این جوامع ایمانی وجود ندارد!

این شبهه در صورتی در ذهن مخاطب رخ می‌دهد که گمان کند منظور از ایمان در بحث همراهی ایمان و عمل، همان ایمان دینی است. اما اگر دانش‌آموز طبق تعریف ارائه شده در درس، بداند که ایمان به هر گونه باور و اعتقاد قلبی‌ای گفته می‌شود که انسان به یک مطلب یا موضوعی دارد (هرچند که آن موضوع، غیر دینی باشد)، پاسخ به این شبهه آسان می‌شود. طبق این تعریف حتی در جوامع بی‌دین نیز ایمان وجود دارد. به عنوان نمونه در این کشورها مردم به این باور قلبی رسیده‌اند که رعایت نظم به نفع همه است و به نظم ایمان آورده‌اند، بنابراین به آن عمل می‌کنند. و یا به این باور درونی رسیده‌اند که رعایت قانون به نفع همگان و از جمله خود آنهاست برای همین به قانون عمل می‌کنند. پس آنها نیز ایمان دارند، ایمان به نظم، ایمان به قانون... و به دلیل این ایمان است که این اعمال از آنها سر می‌زند. راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا: پس از آشنایی دانش‌آموز با حقیقت ایمان و جایگاه آن، این سؤال در ذهن وی شکل می‌گیرد که چگونه می‌تواند شناخت خود را به مرحله ایمان برساند و ایمان به خدا را در دل خود تقویت کند و در زمره مؤمنان واقعی قرار گیرد. در این قسمت با استفاده از سیره معصومین (صلوات الله علیهم) سه راه در جهت تقویت ایمان توضیح داده شده است. البته راه‌های تقویت ایمان، راه‌های رسیدن به ایمان نیز هست.

تفکر پیرامون آیات خدا در جهان پیرامون: در این قسمت دانش‌آموز می‌تواند با رجوع به آموخته‌های خود در کتاب‌های علوم و یا جغرافیا نمونه‌هایی از شگفتی‌های طبیعت را که مظهر علم و قدرت خدا هستند بیان کند. همچنین دبیر می‌تواند با اشاره به آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ آل عمران و نیز آیات ۱۰ تا ۱۵ نحل از این شگفتی‌ها را از زبان قرآن بیان کند. به یقین هر چه بیشتر در قدرت و عظمت خداوند تفکر کنیم، قلب ما بیشتر سر تسلیم فرو خواهد آورد زیرا به این باور می‌رسیم که در برابر خالق هستی و عظمت وصف ناپذیر او ذره‌ای ناچیز هستیم که تنها با اتصال به او می‌توانیم ارج و قرب بیابیم. (برخی از این شگفتی‌ها در بخش دانستنی‌های معلم آمده است.)

یاد و ذکر خدا/وند: می‌توان در این قسمت علاوه بر تأکید بر انس با قرآن و توجه به نماز اول وقت، دانش‌آموزان را با برخی دیگر از راهکارهای جاری ساختن یاد خدا در زندگی آشنا سازیم: هم‌نشینی با

افراد با ایمان، مطالعه در زندگی امامان و سایر انسان‌های مؤمن (شهدا، بزرگان دین و...)، حضور در مسجد و...

بیشتر بدانیم : این بخش به دنبال پررنگ کردن بحث برنامه‌ریزی برای تلاوت منظم قرآن و نیز اقامه نماز اول وقت است. این دو کار در سیره ائمه و اولیاء خدا از بهترین راهکارها برای افزایش ایمان به خداست. اگر دانش‌آموزان یاد بگیرند که برنامه‌ای منظم و روزانه برای تلاوت قرآن داشته باشند و همچنین نماز خود را در ابتدای وقت آن بخوانند، نور ایمان را در قلب خود احساس خواهند کرد.

انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان : در این قسمت رابطه دوسویه ایمان و عمل صالح بیان شده است. برای تبیین بهتر این مطلب می‌توان این مثال را زد: کسی که ارزش خدمت به نیازمندان و محرومان را می‌داند (شناخت) و سپس علاقه قلبی و باور قلبی به این کار پیدا می‌کند (ایمان)، رو به سوی کمک به محرومان می‌آورد (عمل)، از طرف دیگر، با پا گذاشتن به این کار و روبرو شدن با محرومان و نیازمندان، روز به روز بر علاقه و محبتش به آنان و باور قلبی‌اش برای کمک به محرومان افزوده می‌شود (افزایش ایمان).

ایمان ↔ عمل

فعالیت کلاسی : در این فعالیت سعی شده تا با ارائه یک مثال، دانش‌آموزان با تأثیر برخی اعمال بر ایمان انسان آگاه شوند. به همین منظور ابتدا روایتی از امیرالمؤمنین ذکر شده که دوستی با افراد گناهکار را باعث از بین رفتن ایمان می‌دانند. دانش‌آموزان با توجه به این حدیث بایستی بیان کنند که دوستی با چنین افرادی چگونه باعث نابودی ایمان می‌شود. به‌عنوان نمونه این گونه دوستان به انسان پیشنهاد دیدن فیلم‌های نامناسب را می‌دهند که باعث از بین رفتن ایمان می‌شود. یا انسان تحت تأثیر آنها لباس‌هایی را می‌پوشد که باعث تضعیف ایمان انسان می‌شود، همچنین انسان پس از مدتی رفت و آمد با این افراد واجبات دین خود مثل نماز را به فراموشی می‌سپارد که خود عاملی در جهت تضعیف ایمان است.

آثار ایمان : پس از آنکه دانش‌آموزان ارزش ایمان را شناختند، اکنون شایسته است که با ثمرات ایمان بیشتر آشنا شوند. در این درس به دو اثر ایمان بر انسان اشاره شده است: آرامش و رهایی از احساس بیهودگی. انتخاب این دو اثر از میان آثار فراوان ایمان به خدا، به علت ویژگی‌های خاص روحی دانش‌آموزان در این سن است. دانش‌آموزان با ورود به این سن که سن استقلال‌طلبی و شکل‌گیری شخصیت و هویت نوجوان است با بحران‌های متعددی مواجه می‌شوند که از آن جمله احساس تشویش و اضطراب و نیز احساس سردرگمی و بیهودگی در زندگی است.

نوجوان امروزی به دلیل قرار گرفتن در دنیای غرب زده کنونی و به چالش کشیده شدن هویت دینی وی، بیش از هر زمان دیگری با این بحران‌ها مواجه است. دنیای پر اضطراب غرب که هویت انسان را در همین دنیای مادی خلاصه می‌کند، اگر چه به دلیل جاذبه‌های ظاهری موجب کشش جوانان به سمت خود می‌شود اما نمی‌تواند پاسخ‌گوی فطرت پاک نوجوان و جوان ما باشد. همین امر موجب می‌شود تا جوان امروزی گرفتار تشویش، اضطراب، افسردگی و احساس پوچی شود. از این رو، لازم است تا بدانند که برای رهایی از این ورطه باید قلب خود را با یاد و نام خدا آرام کند و هویت واقعی خود را در سایه ایمان به خدا پیدا نماید.

دانستنی‌های معلم

۱- امام خمینی در کتاب «چهل حدیث» می‌نویسد: بدان که «ایمان» غیر از علم به خدا و سایر صفات کمالیه ثبوتیه و جلالیه و سلبیه و علم به ملائکه و رسل و کتب و یوم قیامت است. چه بسا کسی دارای این علم باشد و مؤمن نباشد. شیطان، عالم به تمام این مراتب به قدر من و شما هست و کافر است. بلکه ایمان یک عمل قلبی است که تا آن نباشد، ایمان نیست. باید کسی که از روی برهان عقلی یا ضرورت ادیان چیزی را علم پیدا کرد، به قلب خود نیز تسلیم آنها شود و علم قلبی را، که یک نحو تسلیم و خضوع است و یک طور تقبل و زیر بار رفتن است، انجام دهد تا مؤمن گردد. و کمال ایمان، «اطمینان» است. نور ایمان که قوی شد، به دنبالش اطمینان در قلب حاصل می‌شود و تمام اینها غیر از علم است. ممکن است عقل شما به برهان، چیزی را ادراک کند ولی قلب تسلیم نشده باشد و علم بی‌فایده گردد؛ مثلاً شما به عقل خود ادراک کردید که مرده نمی‌تواند به کسی ضرر بزند و تمام مرده‌های عالم به قدر مگس، حس و حرکت ندارند و تمام قوای جسمانی و نفسانی از او مفارقت کرده، ولی چون این مطلب را قلب قبول نکرده و تسلیم عقل نشده، شما نمی‌توانید با یک مرده در شبی تاریک به سر ببرید. ولی اگر قلب تسلیم عقل شد و این حکم را از او قبول کرد، این کار برای شما هیچ اشکالی ندارد و چنانچه بعد از چند مرتبه اقدام، قلب تسلیم شده، دیگر باکی از مرده نمی‌کند^۱.

۲- شعری در خصوص ایمان:

شخص انسان دارد و شخصیت انسان ندارد	آدمی کاندرا طریق معرفت ایمان ندارد
تا بدانی هیچ ارزش علم بی‌ایمان ندارد	ای که مغروری به دانش، دانشت را بیشتر کن
لرزد و ریزد گر از ایمان بی و بنیان ندارد	کاخ دانش گر همه از سنگ و از یولادسازی

۱- شرح چهل حدیث، ص ۳۷

۳- نکاتی در خصوص بخش «تفکر پیرامون آیات خدا در گستره هستی»:

آیا می‌دانید یک میلیون کره زمین در خورشید جا می‌شود؟

آیا می‌دانید در هر ثانیه ۴/۵ میلیون تن از خورشید می‌سوزد و به انرژی تبدیل می‌شود؟

آیا می‌دانید رقم تخمین زده شده از ستاره‌های جهان ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ است؟

(سه به همراه بیست و سه صفر) است؟

آیا می‌دانید که ما در یک شب کاملاً صاف و در منطقه‌ای کاملاً تاریک (در دل کویر) نهایتاً

۳۰۰ ستاره را با چشم می‌بینیم؟

آیا می‌دانید که براساس محاسبات ستاره‌شناسان حدود یکصد میلیارد کهکشان در آسمان وجود

دارد که کهکشان راه شیری، یعنی کهکشانی که ما در آن قرار داریم، تنها یکی از این کهکشان‌هاست؟

آیا می‌دانید وقتی انگشت خود را به سمت آسمان می‌گیرید، تنها پشت یک بند آن معادل ۵۰ هزار

کهکشان وجود دارد؟

آیا می‌دانید که هر کدام از این کهکشان‌ها به تنهایی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد ستاره را در خود

جای داده‌اند؟

آیا می‌دانید که نزدیک‌ترین کهکشان به ما بیش از دو میلیون سال نوری و دورترین کهکشانی که

تاکنون با ابزارهای پیشرفته امروزی رصد شده است، ۱۳ میلیارد سال نوری با ما فاصله دارد؟ (یعنی

این نوری که امروز ما از نزدیک‌ترین ستاره می‌بینیم مربوط به دو میلیون سال پیش است که اکنون به

دست ما رسیده است؟)

یعنی اگر در هر ثانیه، ۳۰۰ هزار کیلومتر را طی کنیم، بعد از ۱۳ میلیارد سال به این کهکشان

می‌رسیم.^۱

آیا می‌دانید ...

شما با شنیدن این همه شگفتی‌ها، چه احساسی نسبت به خالق هستی پیدا می‌کنید؟

۴- ویژگی‌های انسان مؤمن از نگاه امام سجاده (ع): «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: الْوَرَعُ فِي

الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبَةِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ، وَالجَلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ

امام زین العابدین علیه السلام: نشانه‌های مؤمن پنج تا است: پارسایی در خلوت، صدقه دادن در

تنگدستی، شکیبایی در برابر مصیبت، بردباری هنگام خشم، و راست‌گویی با وجود بیم و ترس (بحارالانوار

ج ۶۴ ص ۲۹۳)

۱- برگرفته از سایت تخصصی انجمن نجوم ایران.

۵- مدتی زیبا و مناسب برای بخش «راه‌های دستیابی و تقویت ایمان»

«مدتی بود که احساس می‌کردم، حالم خوب نیست. برای معاینه به درمانگاه خدا رفتم. آزمایش خون گرفتند؛ معلوم شد که میزان ایمانم پایین آمده است. زمانی که دمای بدنم را سنجیدند، دماسنج ۴۰ درجه اضطراب نشان داد. ضربان قلبم را که گرفتند، معلوم شد که قلبم مدتی است برای خدا نمی‌تپد. چشمم را معاینه کردند، معلوم شد مشکل نزدیک‌بینی هم دارم، چون جز خودم و خواسته‌های دنیوی خودم کسی را نمی‌دیدم، زمانی که از مشکل شنوایی‌ام شکایت کردم، معلوم شد که مدتی است صدای خدا را، آن‌گاه که در طول روز مرا به صحبت با خویش می‌خواند، نمی‌شنوم. وقتی که معاینات تمام شد و از حال و روز بد خودم باخبر شدم، خداوند مهربان برای درمان همه این امراض به من مشاوره‌ای رایگان داد و من نیز تصمیم گرفتم از این پس تنها از داروهایی که در کلمات راستینش برایم تجویز کرده است، استفاده کنم: هر شبانه‌روز پنج نوبت نماز بخوانم، در هر ۲۴ ساعت حداقل روزی یک صفحه قرآن تلاوت کنم و در معانی آیات آن بیندیشم، هر صبح خود را با توکل به خدا آغاز نمایم و زمانی که به بستر می‌روم به کارهای آن روز خود فکر کنم و از اشتباهاتم توبه نمایم.»

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان و ایمان)، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، محسن جوادی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

درس سوم

دین راستین

هدف کلی

معرفی دین الهی به عنوان برنامه کامل زندگی و راه رسیدن به سعادت

اهداف جزئی :

- آشنایی با موضوعات مشترک دعوت انبیا
- پی بردن به یکی بودن دین الهی
- شناخت دلایل عدم تحقق هدف دین در برخی از جوامع دین دار
- آشنایی با روش های دفاع از دین
- ارائه نمونه هایی از مدافعان دین

ضرورت درس

این درس از دروس بنیادی در تعلیم و تربیت دینی است زیرا به اصل دین و فلسفه وجودی آن می پردازد، تحلیل درست این مهم و درک درست دانش آموز از آن در پذیرش سایر مسائل در حوزه های اخلاقی، اعتقادی و احکام دین نقش سازنده و عمیقی خواهد داشت.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

- ۱- آیا با وجود علم، باز هم نیاز به دین داریم؟
- ۲- آیا ما یک دین داریم یا چند دین؟
- ۳- مهم‌ترین آموزه‌های دین واحد چیست؟
- ۴- دلایلی که جوامع دین‌دار عقب‌مانده هستند، چیست؟
- ۵- وظایف ما نسبت به دین چیست؟
- ۶- چه کسی صلاحیت ارائه دین به انسان را دارد؟

محورهای اصلی درس

- ۱- همه انسان‌ها به دنبال سعادت در زندگی هستند اما مصداق‌های سعادت‌مندی در نزد آنها متفاوت است.
- ۲- برای رسیدن به سعادت باید به همه سؤالات اساسی انسان پاسخ درست و قابل اعتماد داد، تا براساس آن برنامه زندگی را طراحی نمود.
- ۳- توانایی‌های انسان محدود است و نمی‌تواند به همه سؤالات پاسخ دهد.
- ۴- خداوند متعال به خاطر داشتن دو صفت خالق بودن و عالم بودن، توانایی پاسخ به سؤالات و نیازهای انسان را دارد.
- ۵- همه پیامبران در طول تاریخ به یک دین دعوت می‌کرده‌اند.
- ۶- ایمان به خدای یگانه و پرستش او و ایمان به دنیای پس از این دنیا و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا دو موضوع اساسی و زیربنای دعوت انبیاء بوده است.
- ۷- هدف محوری پیامبران ایمان به خدای یگانه و تقرب به اوست و راه تقرب اخلاص در همه رفتارهاست.
- ۸- جهل به دین و عمل نکردن به دستورات آن مهم‌ترین عوامل گرفتاری و مشکلات جوامع مسلمان است.
- ۹- پاسداری از دین می‌تواند در سه شکل دفاع علمی، عمل بر اساس دین و دفاع در صحنه نبرد باشد.

تحلیل اجزای درس

ورودیّه: ورودیه این درس با عنوان «مقایسه کنید» می‌باشد. در این مقایسه شبه جزیره عربستان

در دو موقعیت پیش از بعثت (دوره جاهلیت) و پس از آن محور قرار گرفته است. (این مقایسه از خطبه ۲۶ نهج البلاغه گرفته شده است.)

عدم ذکر نام عربستان جهت برانگیختن حس کنجکاوی دانش آموز و ایجاد شرایط مناسب برای گفتگوی پیرامون فعالیت کلاسی است.

در این بخش مصداق‌های روشن ارتباطات بشر یعنی ارتباط با خالق، خلق، خود و خلقت به شکل صریح و گاه ضمنی در دو دوره زمانی مقایسه شده و تفاوت آنها کاملاً آشکار است.

پرستش خدای یگانه در مقابل چندگانه پرستی (شرک)، زندگی همراه با ملال و سختی در مقابل زندگی با رفاه بیشتر، زندگی سراسر جنگ، خونریزی و پایمال کردن حقوق انسان در مقابل به رسمیت شناختن حقوق دیگران و عدم تعدی به یکدیگر و حاکمیت جهالت و نادانی بر زندگی در مقابل زندگی مبتنی بر علم و دانش.

در این ورودیه مصداق‌هایی ذکر شده است. همکاران عزیز با مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی دوره جاهلیت می‌توانند مثال‌های متعدد دیگری را اضافه نمایند. ما در بخش دانستنی‌ها به برخی دیگر از این موضوعات اشاره کرده‌ایم. همکاران محترم در این بخش با محور قرار دادن زمان و تکیه بر آن (بیست سال) و تحلیل تک‌تک عبارات شرایطی را فراهم نمایند تا نهایتاً با مشارکت فعال دانش‌آموزان، ایشان به صورت کامل تفاوت‌ها را درک نمایند.

فعالیت کلاسی: پس از درک کامل تفاوت‌های دو دوره با ایجاد تناظر یک به یک گزاره‌ها در زمینه‌های مختلف سؤال مطرح شود. ممکن است در پاسخ به این سؤال آمدن دین یا بعثت نبی و عباراتی نظیر آن گفته شود که صحیح می‌باشد.

در حقیقت مجموع ورودیه و فعالیت پس از آن وظیفه ایجاد شرایط برای درک و فهم دانش‌آموزان از آثار و فواید دین را بر عهده دارند. در جامعه‌شناسی از این موضوع با عنوان کارکرد دین بحث می‌شود و در کلام از آن با عنوان فواید بعثت انبیاء یاد می‌شود.

پس از فعالیت کلاسی و در ادامه جایگاه دین در زندگی بشر به فلسفه وجودی دین مبتنی بر آنچه که در علم کلام از آن با عنوان ضرورت نزول وحی و بعثت نام برده می‌شود پرداخته است. در این مثال، با استدلال عقلانی ضرورت دین برای رسیدن به سعادت بشر محور قرار گرفته است.

محور این استدلال عالم بودن خداوند بر اسرار آفرینش از جمله ابعاد، نیازها و ظرفیت انسان است. در این بخش ابتدا بر سعادت طلبی انسان و عدم تحقق این مهم در زندگی تأکید شده است و

سپس با طرح سؤالاتی با محوریت «برنامه زندگی»، ذهن دانش‌آموز را به عوامل و زمینه‌های برنامه درست برای رسیدن به سعادت سوق می‌دهد.

در ادامه «سعادت بشر» را وابسته به ارائه پاسخ درست و قانع‌کننده به سؤالات اساسی زندگی می‌داند و در ادامه به این سؤالات پرداخته شده است.

هدف از طرح این سؤالات روشن شدن این نکته است که انسان با محدودیت‌هایی روبه‌روست و به تنهایی نمی‌تواند به این سؤالات اساسی پاسخ دهد و نیازمند عامل دیگری است که از قید این محدودیت رها باشد. پاراگراف انتهایی این بخش با یادآوری ورودیه، بر این نکته تأکید می‌کند که تفاوت در منابع پاسخ‌گویی به سؤالات بشر تفاوت عظیمی را در سعادت بشر می‌تواند به همراه داشته باشد.

فعالیت کلاسی: این فعالیت کلاسی، به یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح در حوزه دین پرداخته است. پاسخ به این سؤال با مشارکت دانش‌آموزان ارائه می‌شود. تحلیل درست سؤال و پاسخ درست آن و تسلط آنان حکایت از فهم درست مطالب پیشین دارد.

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که آموزش علوم تجربی به حوزه تربیت دینی می‌تواند وارد کند و زمینه تقابل دین و علم را در ذهن دانش‌آموز ایجاد نماید و در نهایت به باورهای دینی دانش‌آموز لطمه زند، «علم‌باوری» است.

«علم‌باوری» (scientism) یا همان علم‌زدگی معتقد است که «فقط در علوم تجربی این توان وجود دارد که بتواند حقایق را به شکل صحیح نشان دهد».

ترویج این نوع نگاه آموزه‌های دینی را آموزه‌های درجه دو و فاقد اعتبار می‌داند چرا که با فیلترهای معرفت‌ساز در علوم طبیعی و تجربی به‌دست نیامده‌اند. این در حالی است که انسان تنها به بخشی از معارف از طریق تجربه دست می‌یابد. از این رو در تبیین علوم باید بر این نکته توجه شود که اصولاً حوزه کار علم کجاست؟ آیا در هر زمینه‌ای می‌تواند معرفت ارائه دهد؛ ثانیاً آیا همه یافته‌های علوم براساس آزمایش به دست آمده است.



پس از فعالیت کلاسی برای نخستین بار از «دین الهی» سخن به میان آمده است. آنچه پیش از این آمده بود در باب محدودیت انسان در پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی و نیاز به کمک در یافتن پاسخ این پرسش‌ها بود.

خداوند متعال با داشتن سه ویژگی خالق بودن، عالم بودن و قادر بودن ضمن پاسخ‌گویی به سؤال بشر از طریق وحی و با واسطه پیامبران، راه و برنامه سعادت بشر را در اختیار او قرار داده است.

فعالیت کلاسی : این فعالیت تأکید مجددی بر «ضرورت بعثت انبیاء» است. انبیاء با تعلیم و تزکیه انسان‌ها آنها را از ضلالت و گمراهی، که بیش از بعثت در آن می‌زیسته‌اند، خارج می‌نماید. در ارائه مصداق‌هایی از ضلالت می‌توان از دانش‌آموزان یا مطالب ابتدای درس بهره گرفت. **دین واحد، پیامبران متعدد :** این بخش به سؤال مهم دیگری در حوزه دین پاسخ می‌دهد. با توجه به کثرت انبیاء الهی آیا آنها دین‌های متفاوتی ارائه داده‌اند یا آنکه یک راه و برنامه را از جانب خداوند آورده‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال می‌توان از استدلال‌های عقلانی مبتنی بر فطرت یکسان بشر بهره گرفت. خلاصه این استدلال آن است که چون بشر خلقتی یکسان دارد و از سوی دیگر، غایت و هدفی واحد دارد، لذا باید برنامه واحدی برای هدایتش به سوی هدف ارائه نمود.

در این درس از این استدلال بهره گرفته نشده است بلکه با محور قرار دادن آموزه‌های الهی مشترک، که توسط پیامبران آورده شده است، واحد بودن راه و برنامه سعادت بشر ترسیم شده است و در ادامه، فرایند واحد و مشترک انبیاء الهی در دعوت مردم به این آموزه‌ها آمده است: اصلاح عقاید باطل، توجه به تفکر و دعوت به آن، تأکید بر بحث معاد و روز جزا، و ارائه برنامه زندگی بر اساس عقاید درست ارائه شده با محوریت رضای خداوند.

دین‌دانی و دین‌داری : از آنجا که تمرکز درس تاکنون بر فلسفه وجودی دین و نقش دین در سعادت‌مندی دنیوی و اخروی بشر بوده است، ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا اکنون جوامع دین‌دار به سعادت نرسیده‌اند و یا حتی ممکن است برخی عامدانه و از روی غرض با توجه به شرایط حاکم بر جوامع اسلامی، دین را عامل عقب‌ماندگی ایشان معرفی نمایند. بخش حاضر برای پاسخ‌گویی به همین سؤال و شبهه طراحی شده است و عوامل و زمینه‌های عقب‌ماندگی ارائه شده است. این بخش می‌تواند شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموز به نقد و ارزیابی خود و محیط پردازد. برای انجام این بخش، طرح سؤال از جانب دبیر گرامی و گفتگوی دانش‌آموزان در خصوص این مسئله را پیشنهاد می‌کنیم. حتی می‌توان مدیریت کلاس را به عهده دانش‌آموزان گذاشت. پایبندی به نتایج این روش، با جهت‌دهی دبیر پایدارتر خواهد بود.

دفاع از دین : آخرین بخش درس به راه‌های دفاع از دین پرداخته است. مناسب است که این بخش در فضای گفتگوی میان دانش‌آموزان پرورده شود و توسط دبیر محترم جمع‌بندی گردد. این قسمت به نوعی در ارتباط با بخش قبل و مکمل آن است. چرا که این دو بخش در صدد ترسیم وظیفه مسلمانان در خصوص دین است. یعنی یک مسلمان باید هم نسبت به دین شناخت داشته باشد (دین‌دان)، هم به آن عمل کند (دین‌دار) و درنهایت از آن دفاع نماید (دین‌بان). پس به طور خلاصه

می توان گفت که تربیت مسلمان واقعی مبتنی بر سه ضلع است :

- ۱- دانایی ما از دین (دیندانی) ؛ دین خود را بشناسیم و با احکام و معارف آن آشنا شویم.
- ۲- دارایی های ما از دین (دینداری) ؛ یعنی دین در اعمال و رفتار ما نیز ظاهر شود. یعنی آموزه های دینی را در رفتار فردی و اجتماعی خودمان پیاده کنیم.
- ۳- قله دینداری (دین بانی، یا همان دفاع از دین) ؛ اینکه انسان نگهبان دین باشد و به مرحله ای برسد که تمام دارایی هایش را برای حفظ دین خرج کند، یعنی دین بان شود.



تنوع ابزارها و محیط های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله فضاهای مجازی و امکان بهره مندی سهل و آسان از آنها ضمن آنکه توانسته و می تواند آثار و برکات فراوانی در حوزه ترویج دین فراهم آورد، ممکن است این آسیب را به همراه داشته باشد که گزاره های غیراصیل به جای آموزه های اصیل بشینند. در این میان معرفی اندیشمندان و آثار ایشان به نسل جوان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در بحث حاضر یکی از این اندیشمندان که به روش دفاع علمی از دین دفاع کرده است به عنوان الگو معرفی شده است.

بخش حاضر به گونه ای انجام شود که هر یک از دانش آموزان در این زمینه بیندیشد و راهکاری ارائه نماید.

دانستنی های مورد نیاز معلم

- ۱- در بحث تبیین انتظار بشر از دین، از چند بعد می توان به آن نگریست :
الف) تبیین انتظار بشر از دین، از راه بررسی ادله ضرورت بعثت انبیاء (روش عقلی در علم کلام) :

اثبات ضرورت نزول وحی و بعثت برای رساندن انسان به سعادت واقعی و حقیقی خود او با این مقدمات تبیین می شود :

- ۱- آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده است.
- ۲- انسان حقیقی جاودانه است و باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از

این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند. و اگر در انتخاب این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.

۳- چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای وی واقف است و جز او از حقیقت انسان و نیازها و انتظارات واقعی انسان، آگاهی ندارد.

۴- چون فقط خداوند از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازهای او آگاه است، هیچ کس جز او نمی تواند راه رسیدن به سعادت را برای انسان مشخص سازد و اگر هم بخواهند در این راه گامی بردارند چون به همه نیازهای انسان آگاه نیستند، دچار اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می شوند.

در نتیجه خداوند برنامه هدایت انسان را تنظیم و آن را به وسیله پیک معصوم ارسال می کند تا بشر با پیمودن راه و برنامه الهی، مصون از گزند سهو و نسیان و خطا زندگی خود را شکل دهد و به سعادت حقیقی خویش نایل آید.

بنابراین دلیل نیاز انسان به راهنمایی انسان کامل، آن است که بشر عادی، نه ظرفیت آن را دارد که به علوم بی کران احاطه پیدا کند و نه فرصت آن برای او فراهم است تا همه حقایق را تدریجاً بشناسد. از این رو بسیاری از خیرات هست که انسان خیر بودن آن را نمی داند، از آن گریزان است و بسیاری از شرور است که چون شر بودن آنها را نمی داند به سمت آن گرایش پیدا می کند (عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی تحبوا شیئاً و هو شر لکم). پس برای شناخت راه و مسیر سعادت نیاز به راهنمایی خداوند دارد.

ب) تبیین انتظار بشر از دین، از راه بررسی فواید دین (در علم کلام):

بررسی فواید دین در کتاب های کلامی با عنوان فواید بعثت انبیاء و در زبان جامعه شناسان از آن به کارکرد دین یا خدمات و حسنات دین آمده است.

خواجه نصیرالدین در تجرید الاعتقاد جامع ترین بیان را در فواید دین ارائه کرده است: تأیید یافته های عقلی، از بین بردن ترس، رفع نیاز انسان، شناخت حسن و قبح افعال، شناساندن اشیاء سودمند و زیان آور به انسان، حفظ نوع انسانی، تربیت و تکمیل انسان ها فراخور استعداد آنها، تعلیم صنایع و فنون سودمند، تعلیم اخلاق و سیاسات، بیان ثواب و عقاب اعمال، معرفی انسان کامل به عنوان قلب عالم هستی، همبستگی اجتماعی، معنابخشی به زندگی، راهنمایی به زندگی با آرامش، پاسخ به احساس تنهایی.

۲- فواید بعثت انبیاء در قرآن :

۱- تعلیم حقایق دست نیافتنی (و یعلّمکم ما لم تکنوا تعلمون / بقره، ۱۵۱).

۲- تزکیه (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱).

۳- اقامه قسط و عدل (حدید، ۲۵).

۴- آزادی انسانها (اعراف، ۱۵۷).

۵- رفع اختلاف (بقره، ۲۱۳).

۶- یادآوری فطریات و مستقلات عقلیه (ابراهیم، ۵۲).

۷- دعوت به حیات و زندگانی (انفال، ۲۴).

۳- پاسخ به برخی از پرسش‌های رایج دانش‌آموزان :

پرسش / اول : اگر دینداری برای رسیدن به سعادت لازم و ضروری است، پس چرا کشورهایی

که ظاهراً بی‌دین هستند، غرق در سعادت و خوشبختی‌اند؟

جواب : اولاً در همین کشورها نیز مردم با مشکلات زیادی مانند افسردگی، عدم امنیت، از

هم‌گسیختگی شدید خانوادگی، رواج شدید مواد مخدر و الکل و ... مواجه هستند و آنچه ما از رفاه و

آرامش در این کشورها می‌بینیم تنها بخشی از چهرهٔ این کشورهاست. ثانیاً هر چند مردم این کشورها

پایندی چندانی به دین ندارند، اما در میان آنها فرهنگ‌ها و عادات خوبی همچون نظم، پایندی به

قانون، روحیهٔ کار و تلاش برای تولید و آبادی کشور وجود دارد. مسلم است که هر کشوری که با

جدیت تلاش کند، به نتیجه خواهد رسید. البته توصیه به این اعمال در تعالیم دینی ما هم وجود دارد ولی

متأسفانه مردم ما کمتر عمل می‌کنند. جمله معروفی که از سید جمال‌الدین اسدآبادی نقل می‌شود به

همین موضوع مربوط است. ایشان می‌گوید : «من در اروپا اسلام را دیدم ولی مسلمانی را ندیدم اما در

اینجا مسلمان می‌بینم ولی از اسلام خبری نیست». ثالثاً فراموش نکنیم که خوشبختی و سعادت که دین

به انسان هدیه می‌کند، هم خوشبختی در دنیاست و هم خوشبختی در آخرت و دین تنها به خوشبختی

در دنیا بسنده نمی‌کند. پس ممکن است عده‌ای با کار و تلاش برای دنیای خود، در این دنیا زندگی

راحت‌تری داشته باشند، اما بدون رعایت دستورات دین، از سعادت اخروی محروم خواهند ماند.

پرسش دوم : خداوند به ما عقل داده است، پس دیگر چه نیازی به دین داریم؟

جواب : خداوند برای خوشبختی انسان دو رسول قرار داده است. رسول درونی (عقل) و

رسول ظاهری (پیامبر) هر یک از این رسولان مأمور برطرف کردن بخشی از نیازهای انسان هستند به

عنوان نمونه پرسش‌هایی همچون چگونه با ساخت وسایل و ابزارها زندگی راحت‌تری داشته باشیم؟

چگونه نظم را در جامعه پیاده کنیم؟ و ... در حوزه عقل قرار دارند و عقل انسان قادر به پاسخگویی آنهاست. اما بخشی از سؤالات انسان هست که عقل نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد. پرسش‌هایی که از حیطه آزمایش و تجربه بشر خارج هستند، از جمله این سؤالات هستند: روح چیست؟ سرنوشت ما در قیامت به چه چیزهایی بستگی دارد؟ عالم برزخ چگونه است؟ و ... پس عقل و دین دست در دست یکدیگر انسان را به سعادت و خوشبختی می‌رسانند و بدون هریک، دیگری نیز نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد.

پرسش سوم: اگر واقعاً دینداری لازم است، چرا برخی از افراد سرشناس، و یا برخی از دانشمندان و یا برخی از کشورهای دین ندارند و یا به دین عمل نمی‌کنند؟

جواب: اگر شما ببینید که عده‌ای از مردم بهداشت را رعایت نمی‌کنند، شما چه می‌کنید؟ آیا درست است که بگوئید حالا که عده‌ای ترجیح می‌دهند بیمار باشند، دیگر ما چرا باید بهداشت را رعایت کنیم؟ وقتی ما فواید دین را دانستیم، دیگر نمی‌توانیم برای دینداری منتظر دیگران باشیم.

۴- شعری از جامی:

درین عزت ره خواری مپوید	به جز آیین دینداری مجوید
ازین عالم برون، ما را خدایی ست	که ره گم‌کردگان را رهنمایی ست
پرستش جز خدایی را روا نیست	که غیر او پرستش را سزا نیست

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- نیاز به دین، حسن یوسفیان، کانون اندیشه جوان.
- ۲- رهنان دین (آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه)، مصطفی دلشاد تهرانی، نشر دریا.
- ۳- انتظار بشر از دین، آیت‌الله جوادی آملی، نشر اسراء.
- ۴- کارکردهای ماندگار دین، جمعی از محققین، مؤسسه علمی آینده‌سازان

درس چهارم

راه‌نمایان الهی

هدف کلی

شناخت برخی از ویژگی‌های مشترک رسولان الهی

اهداف جزئی:

- آشنایی با ویژگی مبارزه با شرک، طاغوت و عقاید خرافی
- آشنایی با ویژگی عبودیت و تسلیم در برابر اوامر الهی
- آشنایی با ویژگی پایداری در سختی‌ها
- ارزیابی و نقد رفتار و عقاید فردی و اجتماعی خود بر اساس الگوی گرفته شده از پیامبران

ضرورت درس

وجود درس با محوریت معرفی شخصیت رسولان الهی، پس از ارائه فلسفه وجودی دین الهی که در درس قبل ارائه شد، از دو جهت ضرورت می‌یابد.

الف) از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی، معرفی الگو است. معرفی الگوها علاوه بر آنکه امکان انجام یک فعل را که در الگو تجلی یافته است نشان می‌دهد، چگونگی انجام آن را نیز به همراه دارد. به عبارتی دیگر به مخاطب، امکان انجام عمل و چگونگی آن را نشان می‌دهد. از همین رو است که قرآن کریم به معرفی الگوهای متعددی در جهات مثبت و منفی و با جنسیت‌های متفاوت پرداخته است. کتاب درسی پیام‌های آسمان که رسالت خود را تربیت دینی می‌داند با طراحی این درس، با تأسی از این روش قرآنی، به معرفی الگوهای مسیر سعادت اقدام نموده است.

ب) ضرورت دیگری که سبب طراحی این درس شده است، فضای رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه سینما پیرامون پیامبران الهی است. در سال‌های اخیر، تولیدات سینمای غرب با محوریت پیامبران الهی افزون شده است. تصویری که در این فیلم‌ها از رسولان الهی ارائه می‌شود، تصویری ناقص و البته انحرافی است به‌گونه‌ای که حتی برخی از آنها مورد اعتراض کلیسا نیز قرار گرفته است. این فیلم‌ها به‌آسانی در اختیار دانش‌آموزان قرار دارد و چنانچه اقدام مناسبی در این زمینه صورت نگیرد، تلقی دانش‌آموزان نسبت به پیامبران الهی ناقص و انحرافی می‌شود. ارائه این درس در پاسخ به این نیاز برخاسته از فضا و محیط حاکم بر دانش‌آموز است.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- آشنایی با زندگی و ویژگی‌های پیامبران چه تأثیری بر زندگی ما دارد؟
- ۲- پیامبران الهی چه ویژگی‌های بارزی داشتند؟
- ۳- آیا دردنیای امروز نیز عقاید باطل و خرافی وجود دارد؟
- ۴- چگونه می‌توانیم همچون پیامبران تسلیم امر خدا باشیم و با عقاید باطل مبارزه کنیم؟

محورهای اصلی درس

- ۱- پیروی از الگوهای مناسب سبب موفقیت در مسیر زندگی می‌شود و رسولان الهی، الگوهای مسیر سعادت بشر هستند.
- ۲- تسلیم امر خدا بودن، استقامت و ایستادگی در راه حق، پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها از جمله ویژگی‌های مشترک رسولان الهی بوده است.
- ۳- مخالفان پیامبران الهی با تکذیب پیامبران و قتل آنان به سرکشی در مقابل آنان می‌پرداختند.
- ۴- رمز استقامت پیامبران در مقابل مخالفان، اطمینان به وعده‌های بزرگ الهی بوده است.
- ۵- از مهم‌ترین عقاید باطل وجود شریک یا شریکان برای خداوند است و مهم‌ترین رسالت پیامبران دعوت به یکتاپرستی است که در مقابل آن عقیده باطل قرار دارد.
- ۶- دلیل قرار دادن شریک برای خدا و پرستش آنها، اعتقاد به دخالت آنها در خیر و شر زندگی بوده است.

- ۷- رسولان الهی در مقابل مشرکان، ضمن خرافه دانستن اعتقاد آنها با استدلال محکم و دعوت به اندیشه‌ورزی و تفکر به مبارزه با عقاید باطل‌شان می‌پرداختند.
- ۸- از مهم‌ترین عوامل گمراهی مردم، «علم نداشتن» و تبعیت از کسانی بوده است که آنها نیز

علم نداشته‌اند.

۹- عقاید خرافی منحصر به زمان خاصی نیست. آنها را باید شناخت و برای از بین رفتن آنها اقدام کرد.

تحلیل اجزای درس

ورودیه: این ورودیه به صورت ضمنی به دنبال تبیین بحث ضرورت اسوه قرار دادن پیامبران الهی، برای طی کردن مسیر سعادت است. بنابراین ضرورت، آشنایی با ویژگی‌های پیامبران اهمیت می‌یابد. بنابراین آشنایی با ویژگی‌های پیامبران الهی از طریق تبیین ضرورت الگو قرار دادن پیامبران در ورودیه، فضای لازم برای ورود به درس را فراهم می‌آورد.

این ورودیه با استفاده از مثال عینی و ملموس، که قابلیت اجرا دارد به بحث الگو و اسوه وارد شده است. برای طی کردن درست این بخش ضرورت دارد که دانش‌آموزان به صورت عملی به نوشتن متن در دو حالت الگو داشتن و نداشتن اقدام نمایند تا به صورت محسوس تفاوت دو حالت برایشان روشن گردد.

سعی شده در انتخاب محتوا برای تمرین خط، از محتوای متناسب با متن بهره‌گیری شود. بنابراین شعر انتخاب شده، هدفمند و با عنایت بوده است. توجه به این نکته ضروری است که مضمون شعر در این بخش موضوعیت ندارد و نباید فرایند آموزش این بخش بر توضیح محتوای شعر متمرکز شود.

پس از انجام عملی و نوشتن شعر و فهم این نکته که داشتن الگو تأثیر فراوانی بر داشتن خط زیبا دارد، به یک نکته باید توجه شود و آنکه هر الگویی باید متناسب با هدف باشد. بر این اساس، زمانی که طی مسیر سعادت ابدی هدف است الگوی متناسب با آن، پیامبران الهی هستند. به صورت خلاصه آنچه در این ورودیه مورد نظر است آن است که:

۱- انسان‌ها در ابعاد مختلف دارای نقص هستند و برای آنکه نقص خود را در زمینه‌های مختلف برطرف نمایند احتیاج به الگو دارند.

۲- در انتخاب الگوها، باید به تناسب الگوها با نوع فعالیت و هدف پیش رو توجه ویژه نمود. در اینجا طی مسیر سعادت ابدی مورد نظر است. بر این اساس «پیامبران الهی» بهترین الگوها هستند.

۳- تبعیت از پیامبران الهی، بدون آشنایی با ویژگی‌های آنها میسر نمی‌باشد؛ بنابراین لازم است شناخت کافی از ویژگی‌های آنها به دست آوریم. درس حاضر به این مهم می‌پردازد.

نکته مهم : دربارهٔ ورودیه‌ها به این نکته باید توجه کرد که محتوای ورودیه‌ها دارای دو حالت متفاوت می‌باشند :

گاه محتواها صرفاً طریقت دارند. به این معنا که برای وصول به هدف موردنظر از آنها به عنوان ابزار استفاده می‌شود تا به فهم موضوع کمک نمایند ولی موضوعیت ندارند یعنی معلم می‌تواند از محتوای متفاوتی استفاده نماید. به عنوان مثال در درس حاضر استفاده از مثال خط و نگارش صرفاً طریقت دارد و دبیر محترم می‌تواند از هر مثال دیگری در این موضوع استفاده نماید، مثل الگوها در خیاطی و ... بدیهی است از این بخش‌ها در طراحی سؤال استفاده نمی‌شود.

اما برخی دیگر از محتواها علاوه بر طریقت، موضوعیت نیز دارند. یعنی خود محتوای ورودیه مهم و دارای بار آموزشی است. نمونهٔ بارز این نوع محتواها را در ورودیه درس قبل داشتیم. این مهم در بحث ارزشیابی نیز اثرگذار است چرا که از محتواهایی که هم طریقت دارند و هم موضوعیت سؤال طراحی می‌شود و از آن بخش که صرفاً طریقت دارد سؤالی طرح نمی‌گردد.

ویژگی‌های پیامبران

از مجموع ویژگی‌های پیامبران، سه ویژگی انتخاب شده است. تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها. ویژگی‌های ارائه شده در سه حیطة کاملاً متفاوت ارائه شده‌اند.

الف) ویژگی تسلیم در برابر امر خداوند : این ویژگی به رابطهٔ شخصی پیامبران با خداوند متعال اشاره دارد.

قبل از بیان مصداق‌های تسلیم رسولان در برابر اوامر و خواسته‌ها، تسلیم امر مولا بودن را در زندگی دنیایی و در میان جامعهٔ انسانی را امری عقلایی دانسته‌اند و از این موضوع دنیایی استفاده کرده و وجود این خصلت در میان برگزیدگان الهی را جزء لاینفک حکمت خداوند دانسته است. در بیان نمونه‌ها، سه مصداق از تسلیم بودن سه رسول که دو تن از آنها اولوالعزم می‌باشند، ارائه شده است.

۱- حضرت ابراهیم علیه‌السلام : دانش‌آموزان در پایهٔ دوم دورهٔ ابتدایی با این شخصیت آشنا شده‌اند. این آشنایی در قالب گفتگوی ایشان با حاکم زمان خود، که جلوه‌ای از شجاعت کم‌نظیر آن حضرت است، بوده است. خوب است بدانیم در قرآن کریم در میان رسولان الهی دو پیامبر به صراحت به عنوان الگو معرفی شده‌اند ؛ حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت ابراهیم علیه‌السلام.

در سراسر قرآن کریم در فرایند مقابله با مشرکان، مسیحیان و یهودیان، حضرت ابراهیم علیه السلام مقیاس سنجش عقاید آنان بوده است.

۲- حضرت موسی علیه السلام: این پیامبر بزرگ الهی در پایه چهارم ابتدایی به دانش آموزان معرفی شده و داستان ولادت ایشان محور آموزش بوده است. پیش از آن در درس قرآن، جریان محاجه ایشان با فرعون و معجزات آن حضرت آمده است. اما داستان ارائه شده در این درس برای اولین بار در کتاب‌های درسی آمده است و آشنایی پیشین برای آن وجود ندارد.

۳- حضرت ایوب علیه السلام: داستان سوم مربوط به حضرت ایوب علیه السلام است. در تدریس این بخش نیز نیازمند آن هستیم که مشکلات و سختی‌های حضرت ایوب برای دانش آموزان بیان شود. شناخت تاریخ و مکان نبوت ایشان می‌تواند به تدریس کمک نماید.

استفاده از آیات قرآن کریم در فرایند تدریس این داستان‌ها، ضمن ایجاد فضای معنوی، سبب آشنایی بیشتر با قرآن کریم می‌گردد و زمینه مطالعه بیش از پیش قرآن را فراهم می‌آورد.

فعالیت کلاسی: این فعالیت می‌تواند جواب‌های متعددی داشته باشد که باید از سوی دانش آموزان بیان شود. هدف این فعالیت این است که دانش آموز پس از آشنایی با صفات پیامبران سعی در پیاده کردن این صفات در زندگی خود داشته باشد.

ب) ویژگی استقامت و پایداری در راه خدا: این ویژگی در رابطه پیامبر با خلق خداست محوریت دعوت الهی. مواجهه مردم با دعوت پیامبر اکرم دو نمود کاملاً متمایز در دو بُعد متفاوت داشته است و این جریان بدون استثناء برای همه رسولان الهی در طول تاریخ رخ داده است. گروهی ایمان آورده‌اند و گروه دیگری با محور قرار دادن زندگی این دنیا و با اعتقاد به تقابل میان لذت‌های دنیا و آخرت، در تقابل پیامبران دو گونه عکس‌العمل نشان داده‌اند: ایراد اتهام دروغگویی و دیگری قتل.

دروغگو خواندن رسولان الهی در قالب ساحر بودن، مجنون بودن، افسانه بودن محتواها، مسخره کردن و افترا صورت می‌گرفت.

در این بخش نیز دو رسول یعنی حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام انتخاب شده‌اند. دانش آموزان با حضرت نوح (ع) در پایه دوم ابتدایی به صورت مختصر آشنا شده‌اند. ایشان نماد استقامت می‌باشند، به گونه‌ای که پس از ۹۵۰ سال دعوت، عده معدودی به وی ایمان آوردند و سایرین در مقابل ایشان به انواع آزار و اذیت، تمسخر، تهدید و ... متوسل شدند.

در بخش دیگر به استقامت حضرت ابراهیم (ع) در مواجهه با نزدیکان، مردم مشرک و پادشاه زمان خود پرداخته شده است. نکته بسیار مهم این بخش دلیل و مبنای این همه استقامت می‌باشد که همان وعده‌های بزرگ الهی است.

فعالیت کلاسی: در این فعالیت که یک فعالیت تکمیلی است از دانش‌های پیشین دانش‌آموز استفاده شده است. به این ترتیب بخشی از محتوای آموزشی با این فعالیت ارائه می‌شود. این فعالیت متمرکز بر استقامت پیامبر بزرگوار و اصحاب گرانمایه ایشان در سه جریان بزرگ شعب ابوطالب، لیلۃ المبیت و جنگ اُحُد است.

ج) پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها: این بخش از درس از این جهت که می‌تواند با زندگی روزمره دانش‌آموز ارتباط ایجاد نماید و زمینه نقد و ارزیابی اندیشه‌های خود و محیط را فراهم آورد از اهمیت دو چندانی برخوردار است. برای پردازش این موضوع در زمان پیامبران الهی، مهم‌ترین عقیده باطل یعنی عقیده به «شُرک» مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه مشرکان، خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است اما تدابیر دنیا در اختیار شریکان وی است. شرکاء الهی بین اقوام مشرک متفاوت بوده است. ستارگان، ماه، خورشید، بت‌ها و... نمونه‌هایی از این شرکاء بوده‌اند. آنها با اعتقاد به اینکه خیر و شر دنیایشان وابسته به آنهاست به عنوان منبع خیرات و کاشف مضرات عبادت می‌شوند.

روش مبارزه پیامبران با این عقیده باطل بخش دوم این موضوع است. این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱- روش عملی؛ عدم اعتقاد پیامبران به شرک و باطل دانستن این عقیده.

۲- ارائه دلایل روشن مبنی بر درست نبودن این اعتقاد.

۳- دعوت مردم به اندیشه‌ورزی و تفکر پیرامون پدیده‌های الهی و همچنین نقد اندیشه‌های خود

در خصوص توانایی‌های بت‌ها.

در ادامه این موضوع به مهم‌ترین عاملی که سبب تبعیت مردم از عقاید باطل می‌شود توجه شده است؛ یعنی پیروی از کسانی که علم و آگاهی نداشته‌اند (آبا و اجداد). این موضوع در آیات متعددی از قرآن آمده است.

راه‌هایی از بند عقاید باطل مراجعه به کسانی است که دارای «علم الهی» بوده و از منبع دانش و علم یعنی خداوند متعال کسب فیض می‌نمایند. مراجعه به آنها و تبعیت از ایشان راهکار خلاصی از قیود عقاید باطل و خرافه‌هاست.

فعالیت کلاسی: در این بخش عدم تبعیت از علم و عالمان الهی محور خرافه‌پرستی معرفی شده است. در این فعالیت با ارائه آیات قرآنی مصداق‌هایی از نداشتن علم و آگاهی و آسیب‌ها و مشکلاتی

که ناشی از آنهاست بیان شده است :

– شریک قرار دادن برای خدا در حالیکه دلیلی برای آن ندارند.

– احتجاج و مجادله بر پایه جعل و هوی و هوس و نداشتن علم.

– ایجاد دختران و پسران برای خداوند بدون داشتن علم.

عکس‌العمل مشرکان در مقابل مبارزه پیامبران : مشرکان در مقابل دعوت پیامبران به یگانه پرستی و دوری از عقاید خرافی، خرافات دیگری را مطرح می‌کردند و با باطل از باطل دفاع می‌کردند. تطیّر یا فال بد زدن از جمله این باطل‌ها بود.

وجود عقاید باطل و خرافه و تبعیت از آنها منحصر به زمان خاصی نبوده است و در زمان کنونی نیز با انبوهی از این امور غیرواقع که در میان مردم جهان گسترش یافته و پیروانی دارند روبه‌رو هستیم. **یک نکته :** در درس پیشین بر این نکته که علم، توانایی پاسخگویی به سؤالات انسان را ندارد، تأکید کردیم؛ اما در این درس بر ضرورت تبعیت از علم و عالمان تأکید نمودیم آیا این دو در تناقض نیست. در این زمینه باید به نکات زیر توجه کرد :

اولاً: منظور از علم در درس قبل علم به معنای علوم تجربی که محصول تلاش انسان‌ها است، بود. ثانیاً: تأکید کردیم «علم» به تنهایی قادر به پاسخگویی به تمام نیازهای انسان نیست و درعین حال واقع‌نمایی علم را در بخشی از امور نفی نکردیم. اما مراد از علم در این درس، علمی است که از منبع اصیل آن، خالق جهان هستی، صادر شده و از طریق پیامبران الهی در اختیار انسان قرار داده شده است.

فعالیت کلاسی : در فعالیت کلاسی خواسته شده است به نمونه‌های دیگری از امور غیرواقع که در محیط پیرامونی خود می‌بینند اشاره نموده و آنها را با ارائه منشأشان نقد نمایند. این فعالیت کمک می‌کند تا دانش‌آموز با توجه به نکات درس به بی‌پایه و اساس بودن این خرافات پی‌برد. همچنین باعث می‌شود تا نسبت به این خرافات حالت تهاجمی گرفته و به راحتی زیر بار آنها نرود.

دانستنی‌های معلم

۱- پاسخ مراجع درباره دعانویسی، فالگیری و جن‌گیری

آیت‌الله مکارم شیرازی : «نوشتن دعاهایی که از حضرات معصومین (علیهم السلام) رسیده و در کتب معتبر موجود است، اشکالی ندارد. ولی دعانویسی حرفه‌ای، که شغل افراد سودجوست، صحیح نیست و غالب کتاب‌هایی که به آن استناد می‌کنند، اعتباری ندارد.» ایشان همچنین در خصوص رمالی و

فالگیری می‌گویند: «بسیاری از مدعیان آن افرادی دروغگو یا خطاکارند و فال‌گیری از خرافات است و گرفتن پول برای گرفتن فال جایز نیست»

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «نوشتن دعاهایی که با دلیل معتبر از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده و اجرت گرفتن در مقابل آن، اشکال ندارد ولی مراجعه به فالگیرها یا دعانویسانی که به صورت‌های مختلف از منابعی که اعتبار شرعی ندارد، نقل می‌کنند یا می‌نویسند جایز نیست و پول گرفتن اینگونه اکل مال به باطل و حرام است.»

۲- داستان ۴ سالگی پیامبر (ص) در خصوص گردن‌بند اهدایی حلیمه: هنگامی که آن حضرت در سن ۴ سالگی در نزد دایه خود، حلیمه، بود، روزی از وی خواست تا برای بیرون بردن گوسفندان به برادران رضاعی خود کمک کند و با آنها به صحرا رود. حلیمه خواهش او را پذیرفت اما قبل از خروج وی، مهره‌ای را به گردن وی آویخت تا او را از خطرات حفظ کند. پیامبری درنگ آن مهره را از گردن بیرون آورد و فرمود: من خدایی دارم که مرا از خطرات حفظ می‌کند. (بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲)

۳- علت رو آوردن به خرافات: یکی از علل گرایش انسان‌ها به خرافات، خودخواهی و میرا دانستن خود از خطاها و اشتباهات است. یعنی ما هیچ وقت حاضر نیستیم علت اصلی مشکلات را خودمان بدانیم و در حقیقت خودمان را بالاتر از این می‌دانیم که بخواهیم کار اشتباهی انجام دهیم. به همین دلیل مشکلات زندگی خود را گردن دیگران می‌اندازیم. مثلاً به دلیل عدم رعایت مسائل بهداشتی و بی‌توجهی به سلامتی و تندرستی خود، دچار بیماری می‌شویم، آنگاه می‌گوئیم. در فلان مجلس ما را چشم زدند. یا به دلیل بی‌تدبیری در زندگی خود با مشکلاتی مواجه می‌شویم و فوراً می‌گوییم حتماً برایمان دعا نوشته‌اند یا بخت ما را بسته‌اند و ...

علت دوم گرایش به خرافات، روح تنبلی‌ای است که در برخی وجود دارد. یعنی حال نداریم تا در هنگام بروز مشکلات به سراغ ریشه‌یابی علل آن برویم و به حل مشکل پردازیم، از همین رو فوراً سریع‌ترین راه را پیدا کرده و همه مشکلات را به گردن روزگار و دیگران می‌اندازیم.

۴- احادیثی در خصوص اعتقاد به فال

پیامبر (ص): فال بد زدن نوعی شرک به خداست. (بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۲)
(در این روایت پیامبر فال بد زدن را با یکتا پرستی متضاد می‌داند؛ زیرا کسی که به عنوان مثال صدای کلاغ یا عدد ۱۳ را به فال بد می‌گیرد و آن را در سرنوشت خود مؤثر می‌داند، در واقع برای خداوند و قدرت او شریک قائل شده است.)

— پیامبر (ص): از ما نیست کسی که فال بد بزند، یا برایش فال بد زده شود (یعنی به فال بد دیگران نسبت به خود اعتقاد داشته باشد). (مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۳)

— پیامبر (ص): هنگامی که فال بد زدی اعتنا مکن و به کار خود ادامه بده (محجة البیضاء، ج ۵، ص ۳۲۵) شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌فرماید: «[طبق سخن پیامبر] اگر در قضیه‌ای به چیزی فال بد زدی، این را به دل خود بد راه نده، برعکس عمل کن. یعنی برعکس اینکه اشخاص وقتی به چیزی فال بد می‌زنند، بعد دنبال آن کار نمی‌روند و مثلاً می‌گویند بدشگون است، به هر چیز که فال بد زدی عمل کن و دنبالش برو» (مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۶۵)

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- داستان پیامبران، موسوی گرمارودی، نشر قدیانی
- ۲- قلمرو پیامبران، احد فرامرز قراملکی، نشر کانون اندیشه جوان
- ۳- مجموعه آفتاب اندیشه (راه‌نما)، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه
- ۴- سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، محمدعلی امانی، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- ۵- اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، نشر بوستان کتاب قم

درس پنجم

آخرین پیامبر و آخرین پیام

هدف کلی

معرفی حضرت محمد(ص) به عنوان آخرین پیامبر و قرآن کریم به عنوان آخرین پیام الهی

اهداف جزئی :

- آشنایی با علت ختم نبوت
- ویژگی‌های آخرین پیامبر
- ویژگی‌های آخرین پیام الهی
- نحوه هدایت یافتن انسان توسط آخرین پیام الهی
- آشنایی با شیوه بهره‌مندی از قرآن در زندگی

ضرورت درس

پس از آشنا شدن دانش آموزان با مفهوم دین و اعتقاد به دین اسلام به عنوان تنها راه رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت، لازم است تا دانش آموزان با این نکته آشنا شوند که این دین، آخرین دینی است که توسط خداوند ارسال شده است و پیامبر اسلام، آخرین پیامبر الهی است و از این پس هر ادعایی در خصوص دین جدید کذب می‌باشد.

محورهای اصلی درس

- ۱- زندگی انسان‌ها روی زمین همانند کاروانی است که از مبدأیی شروع شده و به سوی مقصدی در حال حرکت است.
- ۲- تبیین سیر ارسال پیامبران از سوی خداوند و نقش هر پیامبر نسبت به پیامبر قبلی و بعدی
- ۳- پایان ارسال نبی با بعثت پیامبر اکرم (ص)
- ۴- تبیین جایگاه دین اسلام نسبت به ادیان قبلی
- ۵- جایگاه آخرین پیام الهی در هدایت همه انسان‌ها
- ۶- محورهای اساسی قرآن کریم
- ۷- جایگاه قرآن کریم در زندگی انسان مسلمان
- ۸- نحوه استفاده عملی از قرآن کریم در زندگی

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱- چرا خداوند که همواره برای هدایت انسان‌ها پیامبرانی را ارسال می‌کرد با بعثت پیامبر به این کار پایان داد؟
- ۲- پیامبر اکرم چه جایگاهی در میان پیامبران دارد؟
- ۳- قرآن کریم چه جایگاهی در میان کتاب‌های آسمانی دارد؟
- ۴- قرآن کریم چه محتوایی دارد؟
- ۵- چگونه می‌توان از قرآن کریم به صورت عملی استفاده کرد؟

روش تدریس

۱- روش آغاز درس : یکی از روش‌های تدریس این است که در ابتدای کلاس سؤالات فوق به صورت تدریجی و با فاصله برای دانش‌آموزان مطرح شود. ولی این مستلزم این است که معلم احاطه کافی به مطالب درس و سایر محتوایی که در راهنمای معلم آمده است، داشته باشد و سؤالی طرح نشود که خودش نتواند پاسخ دهد؛ هرچند که جواب تمام سؤالات فوق در درس آمده است.

۲- شیوه تدریس بخش «آخرین پیام» :

الف) معلم به همراه خود یک جلد قرآن بیاورد و در اول کلاس آن را به دانش‌آموزان نشان دهد و این سؤالات را بپرسد که این کتاب چه نقشی در زندگی شما دارد؟ آیا به غیر از قرائت و تلاوت آن

استفاده دیگری هم دارد؟ این کتاب برای چه نوشته شده است؟ محتوای آن چیست و چگونه می‌توان از آن استفاده کرد؟ آیا در این دنیا کتابی وجود دارد که همپای آن باشد و بتواند جای آن را بگیرد؟ این سؤالات ذهن دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌کند.

ب) معلم به همراه خود یک دفترچه راهنمای استفاده از ابزار خاص همانند یخچال، ماشین لباس‌شویی و... را بیاورد و برای دانش‌آموزان مطرح کند که سازندگان این دستگاه‌ها این دفترچه‌های راهنما را برای استفاده درست از این وسیله‌ها برای ما فرستاده‌اند. آیا خداوند که ما را ساخته است، کتاب راهنما نیز برای ما فرستاده است؟ آیا ما می‌توانیم بدون کتاب راهنما به هدف زندگی برسیم؟ هدف سازنده دستگاه استفاده مطلوب از آن بوده است، هدف از خلقت ما چیست که با کتاب راهنمای الهی بتوانیم به آن برسیم؟

۳- روش تدریس بخش «جایگاه قرآن در زندگی»:

الف) می‌توان سخنان بزرگان را درباره قرآن در ابتدای این بخش برای دانش‌آموز خواند. باتوجه به شرایط کلاس می‌توان از سخنان بزرگان دین، بزرگان علم، دانشمندان غربی و... استفاده کرد تا فضا برای طرح بحث آماده شود. بخشی از این سخنان در بخش دانستنی‌های معلم آمده است. ب) در قسمتی از این بخش سؤال شده که ما چگونه می‌توانیم با قرآن ارتباط برقرار کنیم و آن را کتاب راهنمای زندگی خود قرار دهیم؟ در این قسمت می‌توان مثال دریا را زد و به بچه‌ها گفت که گاهی ما کنار دریا می‌ایستیم و به آن نگاه می‌کنیم، گاهی به آن نزدیک می‌شویم و دستی به آن می‌زنیم، گاهی در آن شنا می‌کنیم، گاهی به قایق‌سواری در آن می‌پردازیم و گاهی لباس‌غواصی پوشیده و به اعماق آن می‌رویم و از شگفتی‌ها و زیبایی‌های نهفته در دریا لذت می‌بریم. در این مثال‌ها هر کس به گونه‌ای با دریا تعامل می‌کند.

ما مسلمانان در مورد قرآن، که این درس از آن به دریای معارف یاد کرده است، نیز رفتارهای مشابهی داریم. بعضی‌ها قرآن را در گوشه‌ای از خانه قرار می‌دهند و تنها نظاره‌گر آن هستند، برخی هر صبح فقط برخی آیات آن را برای حفظ از بلا و حوادث می‌خوانند، گروهی دیگر آیات آن را به سرعت می‌خوانند و رد می‌شوند و برخی دیگر در معنای آیات دقت و تفکر می‌کنند و از رهنمودهای آن بهره‌مند می‌شوند.

همان‌طور که کسی که کنار دریا می‌ایستد و تنها نظاره‌گر آن است بهره و لذت کمتری نسبت به کسی که در دریا شنا کرده یا با قایق یا کشتی به سفر در آن پرداخته و یا همچون غواص به غور در آن پرداخته است، می‌برد، ما انسان‌ها نیز به فراخور نوع ارتباط خود با قرآن از بهره‌های معنوی متفاوتی برخوردار می‌شویم.

تحلیل اجزای درس

کاروان بشریت (ورودیه): ورودیه درس، زندگی بشر از ابتدای خلقت تاکنون را به کاروانی در حال حرکت تشبیه کرده است. کاروانی که همچون هر کاروان دیگری نیاز به ساربان و راهنما دارد تا به بیراهه نرود و مسیر را گم نکند. نکته‌ای که این ورودیه بر آن تأکید دارد این است که خداوند در برهه‌ای از تاریخ به کار ارسال نبی برای هدایت کاروان بشریت پایان داده است. حال سؤال این است که چرا با وجود نیاز بشر به راهنما، خداوند ارسال نبی را متوقف کرد؟!

این مسئله به خوبی در شعر مرحوم شبستری نیز بیان شده است. برای اجرای این ورودیه می‌توان ابتدا شعر را خواند و بعد توضیحات قبل از شعر را. به طور کل این شعر و متن قبل از آن و در نهایت فعالیت کلاسی به دنبال ایجاد این سؤال در ذهن دانش‌آموز است که چرا دیگر پیامبری برای هدایت بشر ارسال نشد. ایجاد این سؤال باعث می‌شود تا مطالبی که در ادامه درس می‌آید بهتر فهم شود. پس هدف ورودیه ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموز است.

در شعر ورودیه بر مقام جمع‌الجمعی پیامبر اکرم تأکید شده است:

و زیشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار
---------------------------	--------------------------------

یعنی آن حضرت در مقامات معنویه اول است و در صف انبیاء آخر است. همین ویژگی مقام معنوی است که موجب می‌شود خداوند آخرین پیام خود را از طریق ایشان ارسال کند.

آخرین پیامبر: در این بخش به چند موضوع اساسی تأکید شده است:

۱- اینکه تعالیم پیامبران توسط برخی انسان‌ها تحریف و یا نابود می‌شود و این باعث می‌شود خداوند پیامبر دیگری بفرستد.

۲- بشارت آمدن پیامبر اکرم را پیامبران سابق به امت‌های خود داده بودند و مردم از ادیان مختلف ذهنیت لازم را برای ظهور آخرین پیامبر داشتند.

۳- خداوند بر خاتم‌النبین بودن پیامبر اکرم تأکید دارد و به آن در قرآن کریم تصریح کرده است. تأکید این مطلب خیلی مهم است تا تمام کسانی که بعد از پیامبر اکرم ادعای نبوت و یا هدایت انسان‌ها از منشاء غیر الهی دارند، نفی شوند.

۴- نقش دین اسلام در میان سایر ادیان، تکمیل‌کننده و تصحیح‌کننده است. دین اسلام تمامی تحریف‌هایی که در ادیان سابق صورت گرفته بود را تصحیح کرد و نواقصی که در ادیان سابق به دلایل متعدد وجود داشته است را تکمیل کرده است.

۵- دین اسلام به تنهایی برای هدایت انسان‌ها کافی است و هر کسی در هر جای دنیا بخواهد به

خداوند برسد و در دنیا و آخرت سعادت‌مند شود راهی بهتر از این دین برایش وجود ندارد.

توجه: در این بحث ممکن است این سؤالات از سوی دانش‌آموزان مطرح شود.

الف) اگر دین اسلام کافی است پس چرا مسلمانان پیشرفت نکرده‌اند؟ چون مسلمانان به تعالیم اسلام عمل نکردند و اگر واقعاً به تمام تعالیمی که در قرآن و سنت پیامبر اکرم و ائمه آمده است عمل شود وضعیت مسلمانان بسیار متفاوت خواهد بود. همچنان که در برهه‌هایی که به دستورات دین در عرصه علم آموزی عمل شد، شاهد رشد و شکوفایی تمدن اسلامی بودیم.

ب) چرا خداوند قرآن را این قدر پیچیده کرده است که مسلمانان نمی‌توانند از آن به راحتی بهره‌مند شوند؟ این مطلب درست نیست. خداوند قرآن را برای هدایت انسان‌ها بسیار ساده قرار داده است (و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر) ولی مسئله این است که قرآن به طور کل در زندگی مسلمانان جایگاهی نیافته است و مهجور واقع شده است؛ همان شکایتی که پیامبر اکرم از مسلمانان در روز قیامت خواهد داشت (ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً). اگر قرآن وارد زندگی مردم شود هم به راحتی می‌توانند استفاده کنند و هم رشد و تعالی یابند.

فعالیت کلاسی: در جهت تعمیق مباحث این بخش است. مصرع دوم این بیت به طرز ظریفی به این نکته اشاره دارد که دعوت تمام پیامبران یکی بوده است و در واقع به یک راه دعوت کرده‌اند (نام احمد نام جمله انبیاست)، در عین حال که پیامبر اکرم از نظر مقام و نیز کامل بودن دینش از همه آنها بالاتر است.

آخرین پیام

موضوعات اساسی این بخش عبارت‌اند از:

۱- دینی کامل است که بتواند به تمامی پرسش‌های اساسی انسان‌ها پاسخ دهد. قرآن کریم این توان را دارد و به بهترین راه هدایت می‌کند. قرآن، آخرین پیام الهی است که خداوند با آخرین پیامبر خود فرستاده است.

۲- محتوای اساسی قرآن کریم در سه محور اساسی مبدأ، راه و معاد دسته‌بندی شده است که شایسته است این سه بخش به خوبی برای دانش‌آموز تفهیم شود. به این نحو که تمامی مطالب قرآن کریم در درون این سه حیطه قرار دارد؛ مطالب علمی، داستان، خبر از غیب، سرگذشت اقوام و پیامبران، خیر از آینده، و... .

۳- در سه آیه‌ای که به کار رفته است سه ویژگی اساسی قرآن مورد نظر بوده است:

اول آنکه قرآن به استوارترین راه هدایت می‌کند در حالیکه سایر راه‌ها و کسانی که به این راه‌ها دعوت می‌کنند این ویژگی را ندارند.

دوم، قرآن برای قلب‌های انسان شفاست. این شفا بودن از جنبه‌های متعدد است که قلب انسان مضطرب با خواندن قرآن آرام می‌شود، انسان‌های بیمار با شنیدن قرآن آرام می‌گیرند، کسی که به بیماری‌های روحی همچون حسادت، بخل، میل به گناه و... دچار شده باشد و خود را به قرآن عرضه کند دوی آن را در قرآن می‌یابد و ...

و سوم، قرآن برای استفاده کردن و هدایت یافتن آسان قرار داده شده است و فقط کافی است که کسی بخواهد از طریق قرآن هدایت شود.

فعالیت کلاسی : در درس «دین راستین» سؤالات اساسی که برای هر انسانی مطرح است، بیان شده است. با توجه به اینکه درس مذکور قبل از این درس در کتاب آمده است دانش‌آموز به راحتی می‌تواند به آن درس مراجعه کند و سؤالات اساسی را بیابد. خیلی مهم است که دانش‌آموز تمامی آن سؤالات را در این سه حیطه قرار دهد.

جایگاه قرآن در زندگی : در این بخش بر این نکته تأکید شده است که قرآن گنجی است که بسیاری از مسلمانان قدر آن را نمی‌دانند و کمتر از آن استفاده می‌کنند. قرآن خود به سراغ افراد نمی‌رود تا آنها را دعوت به استفاده کند بلکه این مردم هستند که باید به طرف قرآن بروند و در برابر او زانو بزنند و از نور هدایت او استفاده کنند.

قرآن ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در هیچ کتابی این ویژگی‌ها جمع نشده است (روی این ویژگی‌ها که در اینجا آمده است تأکید شود). برای شرح ویژگی‌های خاص قرآن می‌توان از روایت امیرالمؤمنین استفاده کرد. روایت امیرالمؤمنین علیه السلام دارای نکاتی است که روی آنها تأکید شود.

۱- قرآن نور است. خاصیت نور این است که راه را نشان می‌دهد و انسان می‌تواند با پیگیری مسیر نور از گمراهی نجات یابد.

۲- قرآن اخبار پیشینیان و آینده جهان را در درون خود دارد.

۳- قرآن داروی درد انسان‌ها را دارد. درد اصلی انسان در این دنیا دور شدن از صراط مستقیم الهی است که قرآن بیان می‌کند چگونه به راه بیاییم و از مسیر الهی دور نشویم.

۴- قرآن به زندگی انسان سر و سامان می‌دهد. انسان را از حیرت و سرگردانی و بی‌هدف بودن نجات می‌دهد. موجب هدف‌دار شدن و با برنامه‌شدن زندگی انسان می‌شود؛ البته به شرط اینکه انسان بخواهد از قرآن استفاده کند.

در پایان، سه گام نزدیکی و استفاده از قرآن برای دانش‌آموز شرح داده شود. گام اول که کتاب آموزش قرآن متولی آن است صحیح خواندن قرآن است. گام دوم درک و فهم و گام سوم استفاده از قرآن در زندگی است.

دانستنی های معلم

۱- شعر

گویای بی زبان که گلویت پر از صداست
آرامشی که می دهی ام وقت خواندنت
با چه بسنجمت؟ به چه چیزت مثل زخم؟
مثل انارِ تازه و شاداب و آبدار
گاهی مثل زبشه زنی گاهی ام ز فیل
تکرار صحنه های تو جذاب و دیدنی ست
نقل دهانمان قصص الانبیای تو
روزی که پا به عرصه محشر گذاری

معنای حرف های تو در سینه که هاست؟
مانند حال یافته چشمه بقاست
وقتی به بی مثالی تو صحبت گواست
همچون رطب کلام تو شیرین و جانفراست
گاهی چورعد و برق هراس تو بار جاست
نه سینما، که هر ورق عین صدماست
افسانه نیستی که سراینده ات خداست
آه دستت درون دست عزیزان مصطفاست

شهریار

۲- دیدگاه دانشمندان درباره قرآن

— **روژه گارودی (نویسنده فرانسوی):** «پیام اساسی قرآن عبارت از آن است که در انسان آگاهی بسیار ژرفی درباره پیوندهایش با خدا، با انسان و جهان پدید آورد. این بینش جهانی همه ابعاد زندگی، در زمینه اسلام را از لحاظ هنر، دانش و کردار دربرمی گیرد».

— **دکتر یوهان ولفگانگ فون گوته (ریاضی دان، شاعر و نویسنده آلمانی، ۱۸۳۲-۱۷۴۹ م):**

«عظمت احکام مقدس اسلام که قرآن مجموعه آن است، بهت و حیرت عجیبی در ما ایجاد نموده است».

— **ماهاتما گاندی (رهبر بزرگ هندوستان):** «از راه آموختن دانش قرآن، هر کسی به اسرار

روحی و حکمت های دین نائل می شود».

— **چارلز فرانسیس (استاد آمریکایی):** «انجیل کتابی است که در امریکا کسی آن را

نمی شناسد، اما قرآن کتابی است که هر مسلمانی با آن آشنا است و این ادعا، گراف نیست».

— **پروفسور هوستون اسمت (استاد دانشگاه در امریکا):** «هیچ کتابی در جهان به قدر آن

(قرآن) خوانده نمی شود. چه بسیار مردم که سراسر آن کتاب را به حافظه سپرده اند و تأثیرات آن در نفس

خوانندگان از حد حساب خارج است... عقیده و ایمان مسلمانان به کتاب الهی خود در اوج شدت

است، چنان که مسیحیان در احترام به کتاب خود هرگز به پای ایشان نمی رسند».

— **توماس کارلایل (فیلسوف، مورخ و نویسنده اسکاتلندی):** «هنگامی که قرآن مجید را

مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم این کتاب علاوه بر آنکه وحی آسمانی است، از نظر کلمات و ترکیب، بلیغ‌ترین کتاب است».

— فرانسوا — ماری آروئه (ولتر) (فیلسوف، نویسنده بزرگ و مشهور فرانسوی) : «من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیرمتدین ارائه دهند، او حتماً اولی را بر خواهد گزید؛ زیرا کتاب محمد (ص) به طور آشکار افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است».

— آر. اف. بودلی (خاورشناس و نویسنده سوئیسی) : «کتاب او — قرآن — رو به روی من است، از نظر اصیل و سالم ماندن از حوادث تاریخی بی‌نظیر است. کسی قدرت تشکیک در صحت و بقای آن به همان نحوی که نازل شده است را ندارد».

— دکتر شبلی شمیم (دانشمند بزرگ لبنانی) : «پیامبر اسلام، مدبر عالی و حکیم عالی مقام است. او با بلاغت قرآن، عقول بشر را متوجه خویش ساخت و آنها را در برابر کتاب خویش از خود بی‌خود کرد»^۱.

۳ — تشبیهی از پیامبر (ص) : پیامبر (ص) می‌فرمایند: *إِنَّ الذِّي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ* یعنی کسی که در درونش چیزی از قرآن نباشد، همانند خانه ویران است (کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۲). از این تشبیه می‌توان استفاده کرد و از دانش‌آموزان پرسید که خانه خراب چه ویژگی‌هایی دارد که اگر قلبی با قرآن مأنوس نباشد، این‌گونه ویران خواهد بود؟ تشابه خانه ویران با قلب خالی از قرآن را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

— خرابه‌ها امنیت ندارند، قلب بدون قرآن نیز مضطرب است و آرامش ندارد.
— خرابه‌ها محل تردد خلافکاران است، قلب بدون قرآن هم محل تردد شیطان و وسوسه‌های اوست.
— خرابه‌ها متعفن و بدبویند، قلب بی‌قرآن نیز از عطر معنویت محروم است.
— خرابه‌ها با اندک تکانی خراب‌تر می‌شوند، قلب بی‌قرآن نیز متزلزل و هر روز رو به سویی است.
— به پناه گرفتن در خرابه‌ها نمی‌شود اطمینان کرد، به انسان‌های دور از قرآن نیز نمی‌توان اطمینان کرد.

۱ — برگرفته از کتاب قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- کتاب شگفتی‌های علمی و زبان ریاضی قرآن، مهندس علیرضا خردمندی، اکسیر قلم بابل
- ۲- قرآن از نگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، محمد مهدی علیقلی
- ۳- قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، جعفر رضایی فر
- ۴- قرآن و آخرین پیامبر، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه
- ۵- پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، سید محمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی